

فهرست

۳۰	اتوبوسی آمده از تهران	۵	واقعیت رؤیای من است
۳۱	ارغوان و پسرعموهایم	۷	آب خواهم شد
۳۲	از ابر می ترسم	۸	آبی آبی
۳۳	از استخوان می گذرد	۹	آذر و دی و بهمن
۳۵	از این باد لرزیده‌ام	۱۰	آرام بزند دل من
۳۶	از بی‌پایانی	۱۱	آسفالت می‌آید
۳۸	از تو می‌پرسم	۱۲	آسمان دیلمان
۳۹	از چشم شرقی	۱۴	آسمان سیمانی
۴۰	از صدای دیشب	۱۶	آسمان می‌گذرد
۴۱	اسب من	۱۷	آغاز جهان شده‌ام
۴۲	اسبی می‌گذرد	۱۸	آمدند
۴۳	افسوس	۱۹	آن پرنده، آن مرگ، آن ساحل
۴۴	اگر باز نگشاده‌اید	۲۰	آن یازده برهنه
۴۵	الف شیراز	۲۱	آوازی از آسمان می‌ریزید
۴۷	اما عشق؟	۲۲	آوای مرگ ۱
۴۹	امروز و فردا	۲۳	آوای مرگ ۲
۵۰	اندوه خاکستری است	۲۴	آوای مرگ ۳
۵۱	انسان معاصر	۲۵	آوای مرگ ۴
۵۲	این پایان درخت	۲۶	آیا دیده‌اید؟
۵۳	این صبح سوخته	۲۷	اتاق من
۵۷	این صفر	۲۸	اتوبوس تعاونی صفر

شش

۹۴	بیشتر از ماه	۵۸	این همه آب
۹۵	پر از بوی خستهٔ سیگار	۵۹	این همه حشره؟
۹۶	پر از گیاه و گون	۶۰	با پاهایم فکر می‌کنم
۹۷	پرتره‌ی ذهن من	۶۲	با خود برد
۹۹	پرده‌های اتاق	۶۳	باد و گلدان
۱۰۰	پرندگان	۶۴	باران
۱۰۱	پرنده‌ای بر استخوان گرده‌اش	۶۶	باران را عاشقانه می‌نوشم
۱۰۳	پرنده‌ها و آنتن	۶۸	باران می‌بارد
۱۰۴	پروانگی‌های مقدس	۶۹	باز آمده‌اند
۱۱۴	پروانگی‌های مقدّس ۱۱	۷۰	باشو
۱۱۵	پروانگی‌های مقدّس ۱۲	۷۱	باغ‌های چای لاهیجان
۱۱۶	پروانگی‌های مقدّس ۱۳	۷۲	با گریه کنم‌هایت
۱۱۷	پروانگی‌های مقدّس ۱۴	۷۳	با نام ماه، شاید
۱۱۸	پروانگی‌های مقدّس ۱۵	۷۴	باور کن
۱۱۹	پروانگی‌های مقدس — ۲۰	۷۵	برای پسر، یوحتای بزرگ
۱۲۰	پسرعموی سپیدار	۷۷	بر صدای سه‌تار
۱۲۲	پشت این منظومه‌ی شمسی	۷۸	برگ مرا گیاه می‌داند
۱۲۳	پیر و خِرفَت	۷۹	بر معماری سوگند
۱۲۵	پیش از آنکه زاده شوم	۸۰	بسته است، بسته است
۱۲۷	تا آن‌که بگذرم	۸۱	بسیار گریسته
۱۲۸	تار و مار گل سرخ	۸۳	بسیار گریسته‌ام
۱۲۹	تا ساحل خلیج‌فارس	۸۴	بفرمایید بنشینید
۱۳۰	ترس‌های طولانی، ترانه‌های کوتاه	۸۶	بوی بوته‌ی چای
۱۳۲	تشرّف	۸۷	به خانه‌اش در خاک
۱۳۴	تشویش‌ها	۸۸	به درّه می‌نگرد البرز
۱۳۶	تنگ شده پوستم	۸۹	به دنیا چرا نمی‌آید
۱۳۷	تنیس روی میز	۹۰	به کشتزارها می‌رود ورزء
۱۳۸	توت	۹۱	به کلاغ گفتند
۱۳۹	تو را هم‌چنان دوست خواهم داشت	۹۳	بیژن و منیژه

هفت

۱۸۰	در ساعت هفت	۱۴۰	جدول مندلیف
۱۸۱	در شولای باران	۱۴۲	جغرافیای عزیز من
۱۸۲	در کتان و کفن	۱۴۶	جهان
۱۸۳	در لیوان	۱۴۷	چشم به راه تابستان
۱۸۴	در می‌زنند	۱۴۹	چشم‌هایت را بستند با کلمات
۱۸۵	دریغا	۱۵۰	چقدر از پُل می‌ترسم
۱۸۶	دریغا روستای آبنوسی	۱۵۱	چهار فصل
۱۹۲	دستی از من	۱۵۲	چه فرق می‌کند؟
۱۹۴	دقیقه‌ی سرطان	۱۵۳	چه کسی کجاست؟
۱۹۵	دگردیسی ذهن من	۱۵۵	حالا که شرمساری نیست
۱۹۶	دلیم به اندازه‌ی دنیاست	۱۵۷	حال خوش برگ
۱۹۷	دل مشرقی	۱۵۹	خاطره
۱۹۸	دلیم می‌خواهد شعری بنویسم	۱۶۰	خانه‌های سیاه
۲۰۰	دور از کهنسالی	۱۶۱	خواب ما
۲۰۱	رازی نوشته‌اند	۱۶۲	خواهم رفت
۲۰۲	رؤیای درخت	۱۶۳	خورشید
۲۰۳	رنگ رنگ رنگ	۱۶۴	خوشبختی
۲۰۴	رنگ و بو	۱۶۷	خیابان لاهیجان
۲۰۵	رنگ‌ها	۱۶۸	دانه‌های برنج
۲۰۷	رنگی می‌سوزد	۱۶۹	در آب می‌گذشت
۲۰۸	رودخانه‌ها رفتند	۱۷۰	در آستان گشایش زیتون
۲۰۹	روزی درخت	۱۷۲	در آن لحظه
۲۱۰	روی حریر	۱۷۳	در حیاط، روی پله‌ها
۲۱۲	زمان گمشده	۱۷۴	درخت
۲۱۴	زوزه‌های یوزپلنگان	۱۷۵	درخت بودایی
۲۱۵	زهرا به صحرا نیشته	۱۷۶	درخت می‌کارم
۲۱۸	زیر پای تو	۱۷۷	درختی از این جنگل
۲۱۹	سپیدرودِ نازنین من	۱۷۸	درختی می‌آید
۲۲۱	سخت برای دخترم ناتاناییل	۱۷۹	درختی هست در سیستان

هشت

۲۶۰	عشق	۲۲۲	سرزمینم نیست
۲۶۱	عشق‌های سیمانی	۲۲۴	سرزمینی در آسمان
۲۶۳	غروب، پلی است از رؤیای تو	۲۲۵	سطل سطل باران دیلمانم را
۲۶۴	به تاریکی	۲۲۶	سفال‌ها اما
۲۶۵	فریادی آیا	۲۲۷	سکوت سکوت
۲۶۶	فصل پنجم	۲۲۹	سلام بر سنگ
۲۶۸	فیل ساده‌دل	۲۳۰	سه‌تار بزند
۲۷۱	قدم‌زنان تا خشکسالی	۲۳۱	سه‌تاری داشتیم
	قسم به عصر جمعه، به شیشه و تلفن،	۲۳۲	سه شعر
۲۷۳	به سلول و «ملاقات‌داری»ها	۲۳۳	سیاه‌پوشان
۲۷۴	قطعه‌ی ۳۶۹	۲۳۴	سیب
۲۷۵	کاشکی یک آری	۲۳۵	سیب شده‌ام
۲۷۶	کسب و کار من	۲۳۷	سیم برق
۲۷۷	کسی می‌داند؟	۲۳۸	شام آخر
۲۷۸	کشتزار داس	۲۳۹	شانه می‌کنیم
۲۷۹	کمی از شب	۲۴۰	شاید شعر من
۲۸۰	کوچه‌ای از بازوان من می‌گذرد	۲۴۱	شب‌های قطبی
۲۸۱	کودک	۲۴۳	شب یلدا
۲۸۲	کودکان ما	۲۴۴	شرم دیلمان
۲۸۳	کوزه	۲۴۶	شمعدانی خالی
۲۸۴	کوزه‌ای را اگر که می‌بوسم	۲۴۸	شنبه‌ها و جمعه‌ها
۲۸۵	کوهپایه‌های زغالی البرز	۲۴۹	شوای شمس تبریزی
۲۸۷	کیست که با تلخی می‌گریذ؟	۲۵۱	شیشه خواهم شد
۲۸۸	کیستم من؟	۲۵۲	صدف من کجاست؟
۲۹۰	گریستگان زمین	۲۵۴	عاشق
۲۹۱	گریه‌های درخت	۲۵۵	عاشقان
۲۹۲	گریه‌های زاگرس	۲۵۷	عاشق دختر همسایه
۲۹۴	گفتگوی غمباری است	۲۵۸	عاطفه‌های جاری
۲۹۵	گفتم کنایتی و مکرر نمی‌کنم	۲۵۹	عراق نه، افشاری

۳۲۷	میوه‌اش یک ماهی	۲۹۷	گناه دارد؟
۳۲۸	ناوال	۲۹۹	گنجشک مرا می‌شنود
۳۳۰	نفت	۳۰۰	گهواره‌ی سهراب
۳۳۱	نه قیاس، نه استقراء	۳۰۱	گیج باغچه
۳۳۲	واحد مقدّس و تنهایی یک سردار	۳۰۲	لافندباز
۳۳۴	وصیت	۳۰۴	لا و لا
۳۳۶	و ما یَسْطُرُونَ	۳۰۶	ما پنجره را می‌بستیم
۳۳۷	هر پنج انگشت من	۳۰۷	«ما شبی دست برآریم و دعایی بکنیم»
۳۳۸	هرگز این گونه	۳۰۹	مبارک خواهیم کرد
۳۳۹	همه ابراهیم‌اند	۳۱۰	مراسم تدفین
۳۴۰	همیشه من، هرگز بود	۳۱۱	مردان بلوچ
۳۴۱	همین چراغ	۳۱۲	مردان قبیله‌ی من
۳۴۲	همین که مزرعه پوست به گندم داد	۳۱۴	مردگان می‌گذرند
۳۴۴	هندسه‌ی روستا	۳۱۶	مرگی چنان بلند
۳۴۶	هیچ نمی‌گوید	۳۱۸	مگر کلمه
۳۴۷	یک دسته گل	۳۲۰	مگر که فریادم
۳۴۹	یک شعر	۳۲۱	من پیر شده‌ام
۳۵۰	یک‌شنبه پیراهن من است	۳۲۲	من چگونه‌ام؟
۳۵۱	یکی گل سرخ	۳۲۳	منیژه کجاست؟
۳۵۲	یوم‌الحساب	۳۲۵	می‌رانیم، بر نصف‌النهار خشک
		۳۲۶	میرزا